



در دنیای امروز به‌واسطه حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی و در اختیار داشتن ابزارهای متنوع برای اعلام نظریه‌های خود، جهان فیلمسازی و به‌طور کلی جهان دنیای سرگرمی و هنر نیز دست‌خوش تغییرات اساسی شده است. دیگر ما با آن مخاطبان منفعل دهه‌های قبل مواجه نیستیم. اکنون مخاطبان به خوبی آموخته‌اند که چطور نظریه‌های خود را، درست یا نادرست با دنیا به اشتراک گذارند و بی‌پرده‌پوشی، از درونیات و احساسات خود سخن بگویند.

با انتشار آخرین قسمت از **مجموعه شهرزاد** به کارگردانی حسن فتحی، برخی مخاطبان شروع به اعلام نظریه‌های خود در این باره کردند. صفحه اینستاگرام این مجموعه پر شد از اظهارنظرهای گاه ضد و نقیض کاربران. برخی **پایان سریال** را مناسب می‌دیدند و البته شمار زیادی از کاربران هم انتقاد جدی به این پایان داشتند که در این میان، طبق معمول عده‌ای هم مرزهای ادب و احترام را در نوردیدند و نظریه‌های خود را به بدترین شکل ممکن بیان کردند. کاربران زیادی انتظار خود از نحوه به پایان رسیدن داستان و سرنوشت شخصیت اصلی مجموعه را از همین طریق اعلام کردند و مایل بودند داستان آن‌گونه که مد نظر آن‌ها بوده به پایان برسد. حجم این نظریه‌ها و انتقادها به نحوه پایان یافتن داستان چنان زیاد بود که حتی مجله معتبر سینمایی «ماهنامه فیلم» در صفحه اینترنتی خود به این موضوع اشاره کرد و پیشنهاد داد براساس خواسته‌های کاربران، چندین پایان دیگر برای این سریال ساخته و منتشر شود.

در دنیای امروز به‌واسطه حضور مردم در **شبکه‌های اجتماعی** و در اختیار داشتن ابزارهای متنوع برای اعلام نظریه‌های خود، جهان فیلمسازی و به‌طور کلی جهان دنیای سرگرمی و هنر نیز دست‌خوش تغییرات اساسی شده است. دیگر ما با آن مخاطبان منفعل دهه‌های قبل مواجه نیستیم. اکنون مخاطبان به خوبی آموخته‌اند که چطور نظریه‌های خود را، درست یا نادرست با دنیا به اشتراک گذارند و بی‌پرده‌پوشی، از درونیات و احساسات خود سخن بگویند. این فرصت مناسبی است تا برنامه‌سازان و نویسندگان، قلمروهای جدیدتری را در دنیای سرگرمی تجربه کنند. شاید برخی از کارگردان‌ها چنین نگاهی به فیلمسازی را نپذیرند و از این‌که مخاطب تعیین کند داستان چطور به پایان برسد ناراضی باشند و آن‌را نوعی دخالت در کار خود تلقی کنند. اما چنین امکانی، فرصت‌های بی‌نظیری را در اختیار کارگردان‌ها و فیلمسازان قرار خواهد داد که نباید از آن غفلت کرد. ممکن است مخاطبان از دید خود و با توجه به تجربه‌های شخصی و اجتماعی و برداشت‌هایی که از اثر داشته‌اند، ایده‌هایی را مطرح کنند که نه تنها به فکر سازندگان نرسیده بلکه شاید بهترین گزینه‌ها برای پیشبرد

داستان باشد. سریال شهرزاد که گذشت و شاید در حال حاضر تنها کاری که در این راستا می‌توان کرد، عملی کردن همان پیشنهادی باشد که ماهنامه فیلم ارائه کرد. اما از نظر من کارگردان‌هایی نظیر حسن فتحی، قطعاً در پروژه‌های بعدی خود می‌توانند از این ظرفیت موجود استفاده کنند. می‌توان در مرحله پیش‌تولید یا حتی حین تولید، از مخاطبان خواست ایده‌های خود را مطرح کنند و گروه سازنده بر اساس این ایده‌های مطرح شده، بهترین مسیر را برای جلو بردن داستان خود در پیش بگیرند. البته در این مسیر نقش کارگردان و گروه تولید همچنان حیاتی و پررنگ خواهد بود اما آن‌ها گونه به‌نسبت جدیدی از فیلمسازی را تجربه خواهند کرد که قطعاً توشه ارزشمند و نابی را برایشان به

ارمغان خواهد آورد.

صنعت سرگرمی با آنچه مخاطبان از سال‌های پیش به یاد دارند تفاوت‌های اساسی کرده است. کارشناسان این حوزه در پی ابداع روش‌های نوینی برای درگیر کردن مخاطب با داستان‌ها بوده‌اند. سرگرمی‌های تعاملی و محصولات فرهنگی که بین فیلم و بازی کامپیوتری در نوسان هستند (موردی که ماهنامه فیلم هم به درستی به آن اشاره کرده است). مخاطب چنین محصولاتی، یک مخاطب منفعل نیست بلکه در جریان بازی یا تماشای فیلم به‌طور فعال حضور دارد و حتی بر سرنوشت نهایی شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد، به‌طوری‌که ممکن است داستان برای هر مخاطب به یک شکل متفاوت به پایان برسد. یکی از مثال‌هایی که خودم به‌شخصه آن‌را می‌پسندم، بازی ویدیویی تازه منتشر شده « دیترویت: انسان شدن» (Detroit: Become Human) است. در این بازی شما بر اساس رفتاری که در بازی دارید و انتخاب‌هایی که می‌کنید، با سرنوشتی متفاوت مواجه می‌شوید. به یقین، در آینده با نمونه‌های بیشتر و کامل‌تری از چنین بازی‌ها و فیلم‌هایی روبه‌رو خواهیم شد. شاید هم در آینده نوع جدیدی از سرگرمی که نه فیلم است و نه بازی و هم فیلم است و هم بازی (!) فراگیر شود و ساخت آن، نوع جدیدی از کارگردانی را طلب کند. در هر صورت امروز، فیلمسازان باید بپذیرند که مخاطبانی متفاوت از دهه‌های قبل دارند و بد نیست ساحت‌های جدیدی را در حوزه هنر و سرگرمی امتحان کنند شاید از این ساحت‌های جدید خوششان آمد. این‌که مخاطبان به پایان داستان شهرزاد اعتراض داشتند، من را به یاد افسانه شهرزاد قصه‌گو انداخت که چطور تلاش می‌کرد داستان‌ش را بر اساس واکنش‌های مخاطبش پیش ببرد و او را شیفته داستان کند.

**تاریخ انتشار:**

09 آبان 1397

**نشانی منبع:**

<https://www.shabakeh-mag.com/opinion/13786/%D9%82%D8%B5%D9%87%E2%80%8C%DA%AF%D9%88%DB%8C%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D8%AF-%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%B5%D8%B1-%D8%AF%DB%8C%D8%AC%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84>